روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

شنبه ۸ آذر ۱۴۰۴ ■ سال سی‌وسوم ■ شماره ۹۵۵۰

سرمایه گذاری برای تولید

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
تعلل ورزیدن و منت نهادن از ارزش احسان می کاهد.

■ اذان ظهر: ۱۱:۵۳ ■ غروب آفتاب: ۱۶:۵۱
■ اذان مغرب: ۱۷:۱۱ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۰۹
■ اذان صبح فردا: ۵:۲۶ ■ طلوع آفتاب فردا: ۶:۵۵

حافظ
راهی‌ست راه عشق که هیچش کناره نیست
آنجا جز آن که جان بسپارند، چاره نیست

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار
■ دبیر تحریریه: شهرام فرهنگی
■ معاونان سردبیر: علی عمادی، شاهین امین
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک: مدیر: حسین ارجلو
شهرنگار: مدیر: پروانه بهرام‌نژاد، دبیر: مریم باقرپور
اقتصاد: مدیر: حسین لطفی، دبیر: مریم موسی‌پور
تماشاگر: مدیر: امیر محمد یعقوب‌پور، دبیر: لیلی خرسند
گزارش: مدیر: فهیمه طباطبایی

سرزمین من: مدیر: سیده زهرا عباسی، دبیر: زهرا رفیعی
تندرستی: مدیر: جواد نصرتی، دبیر: مریم سرخوش
سرنخ: مدیر: جواد عزیزی، دبیر: محمد جعفری
دانستنیها: مدیر: ساسان شادمان، دبیر: زهرا خلجی

جامعه: مدیر: مسعود میر، دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
۲۴ (سینما و تلویزیون): مدیر: سعید مروتی، دبیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر: دبیر: عیسی محمدی
سرگرمی: دبیر: فرزام شیرزادی
طرح و گرافیک: دبیر: محمدعلی حلیمی

■ سردبیر آنلاین: سید مجتبی صادقی
■ معاونان آنلاین: کامران بازنجی، حامد فوقانی
■ مدیر محتوای تلویزیون: اسماعیل سلطنت‌پور
■ مدیر چندرسانه‌ای: زهراسادات بهشتی
■ مدیر پخش زنده: امیرحسین محمددوست
■ مدیر تولید تلویزیون: الهه سادات بهشتی
■ مدیر فضای مجازی: محمدحسین امیری

■ پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوین
■ تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■ تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ همشهری آنلاین: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

حکایت پلاس

مشکل اصلی قارقار کلاغ‌ها

سیدسروش طباطبایی‌پور | روزنامه‌نگار | در این روزهای آخر پاییز اگر گذرتان به کوچه‌پس‌کوچه‌هایی بیفتد که از آلودگی‌های صوتی به دور باشند، حتما صدای کلاغ‌های تهران را بیش از فصل‌های دیگر می‌شنوید و احتمالا از شنیدن آن کلافه می‌شوید؛ صدای کلاغ‌های باهوشی که بعید است همینطور کشکی و الکی این همه قارقار کنند و از این همه بی‌تابی، هیچ منظوری نداشته باشند. آخر سور و سات کلاغ‌ها که در تهران به راه است؛ میوه‌های درختان و حشرات بی‌زبان که برای کلاغ‌ها فراهم است و کلی آت‌وآشغال و هله‌هوله‌های ریز و درشت مجانی هم در سطل‌های زباله و کف خیابان‌ها منتظر نوک‌های طلایی این پرنده شکمو است؛ پس درد واقعی کلاغ‌ها چیست؟

حتی تهران، هوای آسمان کلاغ‌ها را هم دارد. در هوای تهران، نه عقابی پرواز می‌کند که آسمان کلاغ‌ها را ناامن کند و نه جغد و شاهینی می‌چرخد که به حریمشان نظر داشته باشد. پس واقعا این همه قارقار کلاغ‌ها برای چیست؟ پاسخ ساده است. براساس تحقیق میدانی محققان کلاغ‌دوست، این پرنده سیاه‌رو در فصل پاییز ۲مشکل اساسی دارد. اول اینکه کلاغ‌های تهران این روزها آن‌قدر زیاد شده‌اند که دیگر چشم دیدن یکدیگر را ندارند. در واقع مشکل اصلی کلاغ‌ها، خود کلاغ‌ها هستند؛ کلاغ‌های فراوان، کلاغ‌های بی‌دشمن! پس به این ترتیب و با وجود این همه کلاغ، حتی اگر هر کدامشان تنها برای عرض سلام و ادب هم که شده تنها یک قارقار مختصر هم کنند، در آسمان تهران چنان غوغایی به پا می‌شود که نگو!

مشکل دوم، اما فصل پاییز است، فصل برگ‌ریزان! زیرا در خزان تهران وقتی برگ درخت‌ها می‌ریزد، لانه کلاغ‌های باحیا که تا دیروز لای برگ‌های پهن درختان چنار از نظرها پنهان بود، حالا دیگر بی‌پرده و پیدا شده و تا ته لانه‌شان دیده می‌شود! اما اگر شما هم از شنیدن این همه قارقار کلافه شده‌اید، ۲راه‌حل ساده وجود دارد؛ اول اینکه کاری کنید لااقل غذای کلاغ‌های تهران این‌قدر فت و فراوان نباشد. مثلا زباله‌های خود را داخل کیسه بریزید و در آن را ببندید و آن را سر ساعت ۹ داخل سطل‌های زباله شهری بیندازید! این‌طوری شاید کلاغ‌های گشنه، به فکر کوچ بیفتند و تعدادشان در شهر ما لااقل متعادل شود! و دوم اینکه کمی سر به زیر شوید و وقتی لانه کلاغی بالای سرتان سبز شد، تا ته لانه کلاغ‌های بی‌پناه را نگاه نکنید تا آنها هم شاکی نشوند و این همه قارقار نکنند!

دور دنیا

نوازش به‌جای خورش

روز شکرگزاری در آمریکا یکی از مهم‌ترین روزهای ملی در این کشور است که هر سال در چهارمین پنجشنبه ماه نوامبر برگزار می‌شود. این روز ریشه در سنت‌های مهاجران اولیه آمریکا دارد که پس از برداشت موفق محصولات، برای شکرگزاری از نعمت‌ها جشنی برگزار می‌کردند. خانواده‌ها در این روز دور هم جمع می‌شوند و غذاهای سنتی مانند بوقلمون نوش جان می‌کنند. درواقع روز شکرگزاری نمادی از قدردانی، همبستگی خانوادگی و کمک به نیازمندان در فرهنگ آمریکایی به شمار می‌رود که جزو تعطیلات رسمی این کشور هم هست. اما در مزرعه «جنتل بارن» در ایالت تنسی آمریکا، بوقلمون‌ها نه برای خورش شدن و خوردن، بلکه برای در آغوش گرفتن هستند. در آغاز هفته‌ای پر از سفر و شلوغی، شهروندی به نام «جردن گالوتا» به این پناهگاه حیوانات آمد تا آرامش بگیرد. او در آنجا می‌توانست گاوی مهربان را نوازش یا به گوسفندان پشمالو بوسه بزند. این بار و در روز شکرگزاری، او بوقلمون نابینایی به نام «اسماج» را در آغوش گرفت و پرنده پس از چند دقیقه با آرامش در آغوش او به خواب رفت. الی لاکس، بنیانگذار جنتل بارن، می‌گوید که بوقلمون‌ها نیز مانند حیوان های دیگر می‌توانند در درمان‌های عاطفی مؤثر باشند. او سال‌ها پیش متوجه شد که یکی از بوقلمون‌ها علاقه‌مند به تعامل با انسان‌هاست و از همان‌جا ایده استفاده از بوقلمون‌ها در جلسات آرامش‌درمانی شکل گرفت. جنتل بارن در روز شکرگزاری برنامه‌ای ویژه برگزار می‌کند که در آن بازدیدکنندگان می‌توانند به‌جای خوردن بوقلمون، به این پرندگان زبان‌بسته غذا بدهند و آنها را نوازش کنند. همچنین امکان حمایت مالی از این پرندگان نجات‌یافته برای تأمین هزینه‌های نگهداری‌شان نیز فراهم شده است.

گنج‌های سبز ایران

مروری بر ویژگی‌های ۵ رویشگاه جنگلی کشور، از ارسباران تا خلیج‌فارس

فاطمه عباسی | روزنامه‌نگار | شاید ماجرا از یک ته‌سیگار شروع شده باشد، یا یک منقل آتش جمع و جور که روشن رها شده است. تنها چیزی که مسلم است اینکه یک عامل انسانی باعث ازبین‌رفتن بخش قابل توجهی از جنگل‌ها شده؛ تعطیلات آخر هفته جرقه اصلی‌زده می‌شود و در مدت کوتاهی، آتش به‌طور وحشتناکی در میان جنگل‌ها شعله می‌کشد. منشا بیشتر این آتش‌سوزی‌ها هم گردشگران بی‌توجهی هستند که با آگاهی از خطرات موجود باز هم آتش به‌پا می‌کنند و به جان درختان بی‌گناه می‌اندازند. این اتفاقی است که هرساله در جنگل‌های زاگرس و هیرکانی و ارسباران رخ می‌دهد و بخش زیادی از این جنگل‌ها را از بین می‌برد. گاهی به‌خاطر کوهستانی‌بودن منطقه یا کمبود تجهیزات و امکانات، روزهای زیادی طول می‌کشد تا این آتش خاموش شود؛ آتشی که درختان زیادی را تبدیل به خاکستر می‌کند.

وقتی دود فرو می‌نشیند و سیاهی برجای می‌ماند تازه می‌فهمیم که زخم بر پیکر کدام بخش از جان ایران نشسته است. داستان جنگل‌های ما، فقط داستان شمال نیست. اگر نقشه ایران را از بالا ببینیم، این فلات تشنه صاحب ۵قلب سبز و متمایز است که هر کدام شخصیت، اقلیم و قصه‌ای جداگانه دارند. یکی بازمانده عصر یخبندان است و دیگری جنگجوی کویر؛ یکی ریشه در آب شور دارد و دیگری بلوط‌هایش را سخاوتمندانه به غرب کشور بخشیده. در این گزارش می‌خواهیم از میان دود و خاکستر عبور کنیم و سیمای شفاف این ۵ پهنه جنگلی را بشناسیم؛ میراثی که حفظ آن نه یک انتخاب بلکه شرط بقای ماست.

هیرکانی؛ موزه‌ای که نفس می‌کشد

جنگل‌های هیرکانی که چون نواری سبز از آستارا تا گلی‌داغ در شمال شرق ایران کشیده شده‌اند، نه صرفا درخت، بلکه «فسیل‌های زنده» جهانند. قدمتی ۴۰میلیون ساله دارند و زمانی که یخبندان سراسر اروپا را نابود کرد، دریای خزر مانند یک دایه مهربان، دمای این منطقه را معتدل نگه داشت تا گونه‌هایی مثل راش، انجیلی و شمشاد حفظ شوند. ثبت جهانی این جنگل‌ها در یونسکو، مهر تأییدی بر بی‌همتایی آن است. اینجا متراکم‌ترین بخش تنفسی ایران است که خاکش طلاست و هر هکتارش هزاران مترمکعب آب را در خود ذخیره می‌کند. آتش در اینجا، یعنی سوزاندن صفحات تاریخ زمین.

زاگرس؛ سد زنده غرب

زاگرس فقط کوه نیست؛ بزرگ‌ترین کارخانه آب‌سازی ایران است. این پهنه وسیع که از آذربایجان غربی تا فارس کشیده شده، قلمرو فرمانروایی «بلوط ایرانی» است. جنگل‌های زاگرس مانند یک فیلتر عظیم عمل می‌کنند. آنها هم منبع تامین ۴۰درصد آب شیرین کشورند و هم سینه‌ای سپر شده در برابر ریزگردهای عربی. اگر زاگرس نبود، فلات مرکزی ایران سال‌ها پیش غیرقابل سکونت می‌شد. ساختار این جنگل‌ها تُنُک‌تر از شمال است و همین موضوع، آنها را در برابر آتش‌سوزی آسیب‌پذیرتر کرده است.

ارسباران؛ بهشت گمشده قره‌داغ

در شمال غربی‌ترین نقطه ایران، جایی که ارس خروشان جاری است، جنگل‌هایی وجود دارند که انگار مینیاتوری از کل طبیعت ایرانند. ارسباران یا قره‌داغ، شاهکاری از تنوع زیستی است؛ جایی که مرز بین جنگل‌های مرطوب خزری و مناطق نیمه‌خشک قفقازی محو می‌شود. یونسکو اینجا را «ذخیره‌گاه زیست‌کره» نامیده است، چراکه خانه گونه‌های نادری چون سیاه‌خروس و مارال است. پوشش گیاهی اینجا ترکیبی عجیب و زیباست؛ از زغال‌اخته و گیلاس وحشی تا سرخدار و بلوط. ارسباران به‌دلیل شیب‌های تند و دره‌های عمیق، در هنگام آتش‌سوزی‌ها بسیار سخت‌گذر است و همین موضوع، اطفای حریق در این منطقه را به عملیاتی نفسگیر تبدیل می‌کند.

ایرانی - تورانی؛ جنگجویان کویر

این پهنه، مظلوم‌ترین و در عین حال مقاوم‌ترین جنگل‌های ایران است. وقتی از جنگل حرف می‌زنیم، ذهنمان سمت باران می‌رود، اما در فلات مرکزی ایران، درختانی مثل «بنه» (پسته وحشی) و «بادام کوهی» یاد گرفته‌اند که با حداقل آب زنده بمانند. ناحیه رویشی ایرانی - تورانی وسیع‌ترین ناحیه اکولوژیک کشور است که استان‌های خراسان، سمنان، یزد و کرمان را دربر می‌گیرد. این درختان پراکنده، آخرین سنگر ما در برابر پیشروی بیابان هستند. اگر این پوشش گیاهی از بین برود، خاک مهارگسیخته شده و توفان‌های شن شهرها را می‌بلعند. حفاظت از این گونه‌های بردبار، استراتژیک‌ترین اقدام برای امنیت زیستی مرکز ایران است.

خلیج‌فارس؛ جنگل‌های گرمسیری

در نوار ساحلی جنوب، جایی که گرما و رطوبت بیداد می‌کند حیات به شکل حیرت‌انگیزی جریان دارد. این ناحیه که از خوزستان تا سیستان‌وبلوچستان کشیده شده، قلمرو درختان صبور و سخت پسندی مثل «کهور»، «کنار» و گونه‌های «آکاسیا» است. این جنگل‌های گرمسیری که شباهت زیادی به ساواناهای آفریقا دارند، با شرایط سخت کم‌آبی و دمای بالا سازگار شده‌اند. اهمیت حیاتی این پهنه در تثبیت شن‌های روان و جلوگیری از فرسایش بادی است؛ درختانی که اگرچه متراکم نیستند، اما ریشه‌هایشان مثل لنگر، خاک‌های سست و ماسه‌ای ساحل را نگه‌داشته و پناهگاهی امن و خنک برای حیات وحش خاص جنوب فراهم کرده‌اند.

جنگل‌های حرا؛ معجزه سبز روی آب

متفاوت‌ترین و شاید شگفت‌انگیزترین رویشگاه ایران، جنگل‌های «مانگرو» یا «حرا» هستند که قوانین معمول طبیعت را به چالش کشیده‌اند. اگرچه جنگل‌ها از نظر طبقه‌بندی علمی، زیرمجموعه و بخشی از همان پهنه رویشی «خلیج‌فارس و عمانی» محسوب می‌شوند، اما سازوکار و دنیایشان کاملا متفاوت است. این درختان برخلاف همتایان خود نه در خاک سفت، بلکه در آب شور خلیج‌فارس و دریای عمان ریشه دوانده‌اند. حراها، کارخانه آب‌شیرین‌کن طبیعی دارند و نمک آب را دفع می‌کنند. جادوی این جنگل‌ها در جزیره قشم و سواحل جنوبی، وابستگی‌شان به حرکت ماه است؛ در زمان مد تا نیمه در آب فرو می‌روند و پنهان می‌شوند و هنگام جزر، صحنه‌ای بدیع از جنگلی شناور را خلق می‌کنند.

خواندنی‌های مجازی

به نام پدر

گاهی در شبکه‌های مجازی اتفاقات جالبی می‌افتد. مثلا اینکه یک کاربر در شبکه ایکس بنویسد «به‌عنوان یک پدر سؤال دارم. از نگاه دختر مهم‌ترین ویژگی یک پدر چیه؟ چیه که باعث می‌شه عاشق پدرش باشه؟» بعد هم ۷۰۰نفر زن و مرد و پیر و جوان بیایند و نظرشان را بنویسند تا یک گزارش تولیدی عالی ایجاد شود. اما واقعا مهم‌ترین خصلت یک پدر که باعث می‌شود دخترش عاشق او بشود و عاشق او بماند چیست؟ با هم بخشی از جواب‌های جالب داده شده به این کاربر را مرور می‌کنیم؛ البته جواب‌هایی که به زبان معیار بازگردانی شده‌اند و شکل مجازی خودشان را ندارند. آماده‌اید؟

۱ محبت و حمایت. من عاشق پدرم هستم. محبتش را با حرف ابراز نمی‌کند، اما با کارهایش تمام مهربانی را نشانمان می‌دهد. من هنوز هم که ۴۶سال دارم، مثل بچه‌ها آویزان پدرم هستم که ماچش کنم.

۲ حمایت. از این نوع که بگوید مهم نیست تو چه تصمیمی می‌گیری، این را فقط بدان که حمایت مرا داری...

۳ کاری کنید که پیش دوستانش به شما افتخار کند. این را پدرم برایم خریده، این حرف زیبا را پدرم به من زده، اینجا با پدرم رفتم، این کار را پدرم برایم کرده...

۴ به‌نظرم، حرف زدن. بابایی که از در داخل می‌شود و می‌نشیند با بچه‌اش حرف می‌زند خیلی بابای خوبی می‌شود. آن وقت است که دخترش هر سؤال و مشکلی داشته باشد پیش او می‌رود.

۵ رعایت ارزش‌های اخلاقی مهم در زندگی شخصی و اجتماعی از طرف پدر باعث افزایش احساس عزتمندی در دخترش می‌شود. مثل پدر من که سال‌هاست به رحمت خدا رفته.

۶ شیفته این مردم: بابا. البته هر کسی که دیده عاشقش شده. یک، مهربان است؛ نه فقط با من، با همه. دو، آرام است، خونسرد است؛ شاید فقط ۵بار عصبانیتش را دیده‌ام. سه، کودک درونش فعال است و گاهی ذوقش از خودم بیشتر است. چهار، منطقی است. بارها با خواسته‌هایم مخالف بوده، اما حرف‌هایم را شنیده و با تمام مخالفتی که داشته پذیرفته.

۷ پدر مسئولیت‌پذیر و حامی بزرگ‌ترین نقش را در تربیت فرزند ایفا می‌کند.

۸ اگر عاشق همسرت باشی و هرچه شد به دخترت حس امنیت بدهی، او تا ابد عاشقت خواهد بود.

۹ تحمل و ظرفیت بالا در کنار آمدن با تفکر یا سبکی از زندگی‌اش که مطابق با شما نیست و حمایت.

۱۰ محکم‌ترین تکیه‌گاه باشد. مثل کوه پشت خانواده‌اش باشد.

عکس خانه

رقص برگ‌ها در پایتخت تاریخ و تمدن

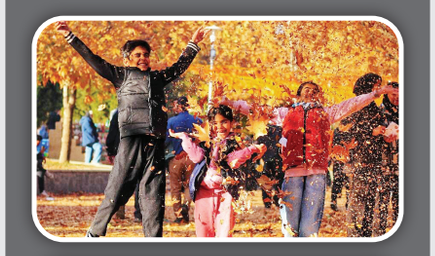

پاییز هزاررنگ همدان، این‌بار نه در قاب‌های ساکت، بلکه با خنده‌های بلند کودکان در «بوستان مردم» جان گرفت. جشنواره «برگ‌ریزان هگمتانه» بهانه‌ای شد تا فرش زرین طبیعت، زیر پای شهروندان و گردشگران پهن شود و خش‌خش برگ‌ها، موسیقی متن یک روز شاد خانوادگی باشد.

تصاویر، روایتی زنده از تزریق نشاط اجتماعی به رگ‌های شهر است؛ از پدری که با حوصله، زیبایی خزان را به دخترش نشان می‌دهد تا کودکانی که با مشت‌های پر از برگ، آسمان را طلایی می‌کنند. این رویداد با هدف معرفی ظرفیت‌های کم‌نظیر گردشگری پاییزی در همدان برگزار شد تا یادآوری کند که هگمتانه، در فصل خزان و برگ‌ریزان نیز به اندازه بهار، تماشایی و میزبان خاطره‌سازی‌هاست.